

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد و خدا قوت: استاد بنده کتاب سلوک ذیل امام رو مطالعه کردم اما چند سئوالی ذهنم رو در گیر کرده بود؟ با توجه به این که امام یک شخص نبودند و یک مکتب بودند اگر بخواهیم رجوع به این مکتب داشته باشیم با چه روشی باید به آن در مقتضیات زمانه داشته باشیم یعنی: ۱. برای فهم مکتب امام یک روش وجود دارد و یک چگونگی رسیدن به مکتب امام، از کجا متوجه بشویم که به چه روشی باید رجوع داشته باشیم به امام تا به تمام امام رجوع داشته باشیم؟ و ثانيا چگونه باید به آن برسیم؟ (چگونه رو حضرت عالی در بخش آخر کتاب توضیح دادید ولی روش شناسی فهم سخنان امام و رهبری رو بنده کاملا متوجه نشدم) ۲. مکتب امام یعنی امام دارای یک منظومه فکری بودند؟ منظومه ی فکری امام رو چه طور می شود بدست آورد و تبیین کرد؟ آیا کسی مبانی نظری مکتب امام رو به دست آورده است؟ ۳. اگر امام دارای یک مکتب بودند، مکتب یعنی این که برای تمام نظام ها برنامه دارد دیگر؟ آیا امام نیز دارای مکتب سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و..... بودند؟ و اگر بودند چه طور باید این مکاتب رو در صحبت هایشان بدست آورد؟ آیا کسی این کار را کرده است؟ ۴. در آخر تفاوتی بین مکتب و نظریه پردازی و منظومه فکری و نظام ها و پارادایم وجود دارد؟ با تشکر فراوان با عرض پوزش لطفا کلی جواب ندهید و شماره ای به سئوالات جواب دهید، با عرض معذرت و آرزوی سلامتی

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جلسه ی ۱۶ کتاب سلوک با طرح بحث «هندسه ی فکری» عرایضی شده است و در کتاب دوم یعنی کتاب «امام خمینی و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه» به تفصیل، موضوعات مطرح شده است. آثار حضرت امام در این موارد بسیار کارساز است. و در همین رابطه بنده وظیفه ی خود دانستم تفسیر سوره ی «حمد» حضرت امام و کتاب «مصباح الهدایه» شرح شود. حضرت امام ذیل فرهنگ تشیع و فقه آل محمد «صلوات الله علیه و آله» مکتب خود را مطرح می کنند و از این جهت نیاز به مکتب دیگری نیست، مهم رویکرد درستی است که حضرت امام در این تاریخ مدنظرها قرار داده اند. موفق باشید